

جمعیت و تحولات آن از منظر متفکران مسلمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶

علی مرادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

چکیده

یکی از موضوعات مهم جمعیت‌شناختی که محل بحث و اختلاف نظرهای مختلفی در طول تاریخ بوده و هست، تحولات جمعیتی است. موضوع این مقاله جمعیت و تحولات آن از منظر متفکران مسلمان است و چند هدف اساسی را دنبال می‌کند: دیدگاه‌های متفکران اسلامی درباره تحولات جمعیتی؛ ارزیابی این دیدگاه‌ها بر اساس قواعد موضوع‌شناسی اسلامی و دیدگاه اسلام و قرآن در این زمینه. روش مورد مطالعه در این پژوهش، بر اساس نحوه گردآوری اطلاعات تاریخی است. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه استفاده از دو نوع اسناد است؛ اسناد دست اول؛ که معیار اصلی مطالعه هستند؛ مانند قرآن و اسناد دسته دوم؛ اسنادی که کمترین تغییر در آن‌ها ایجاد شده باشد. با توجه به این که در روش‌شناسی اسلامی پایه‌های فکری اندیشمندان بر پایه‌های مبانی بنیادی قرآنی استوارند؛ بنا بر این، این مطالعه دارای روایی معیار است؛ به این معنا که صحت گفتارها و تحلیل‌ها براساس مبانی مندرج در قرآن قابل پذیرش است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که گروهی از متفکران افزایش جمعیت را مایه برکت و منشأ قدرت و محرک پیشرفت اقتصادی دانسته‌اند. دسته‌ای دیگر زیادی جمعیت را موجب به هم خوردن تعادل و هماهنگی لازم بین امکانات زندگی و فراهم آوردن فقر و تیره‌روزی و همچنین منشأ نابودی و انهدام بشریت تلقی می‌شود. دسته سوم طرفداران حد متناسب جمعیت بودند. طرفداران این نحله فکری درصدد حد بهینه جمعیت هستند؛ یعنی میزان جمعیت با امکانات مادی یک جامعه هماهنگی باشد. این‌ها تحت عنوان خوش‌بینانه تعبیر می‌شوند. در نهایت می‌توان براساس دیدگاه قرآنی چنین استنباط کرد که اسلام طرفدار حد متناسب جمعیت است و در قرآن کتاب آسمانی مسلمانان آیاتی وجود دارد که به طور ضمنی جلوگیری از حاملگی را جایز دانسته‌اند و از طرفی آیاتی هستند که موافق تشکیل خانواده و افزایش موالید است.

کلید واژه‌ها: جمعیت، موضوع‌شناسی اسلامی، دیدگاه، متفکران، افزایش.

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران:

مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز جمعیت و رشد مطلوب آن در یک اجتماع به عنوان یک عامل اصلی و بسیار تأثیرگذار در امر توسعه و پیشرفت هر کشوری مورد بحث و توجه قرار گرفته است. جمعیت نقش مؤثری در ترسیم قدرت سیاسی و اقتصادی ملت‌ها بر عهده دارد؛ به گونه‌ای که غفلت از آن می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. علاوه بر مؤلفه‌هایی مانند ثروت‌های خدادادی و برخورداری از فرهنگ غنی، فن‌آوری‌های برتر و توان نیروهای مسلح، جمعیت نیز یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت در هر کشوری به حساب می‌آید. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند یکی از عوامل مؤثر بر رشد فن‌آوری‌های برتر، افزایش جمعیت است (خانی و نصراللهی، ۱۳۹۲: ۸۹). ظهور نظام‌های معرفتی و دینی درباره واقعیت‌های اجتماعی، منجر به روش‌شناسی و به تبع آن تعریف مسیرهای متعددی در تفسیر و تحلیل مسائل اجتماعی شد؛ بر این اساس، لازم است که مسائل جمعیتی را به صورت چندبعدی و همه‌جانبه در نظر گرفت. جمعیت مقوله‌ای است پویا، که همواره در حال تغییر است؛ بنا بر این، نمی‌توان جمعیت و سیاست‌های جمعیتی را به صورت ایستا در نظر گرفت. در دهه‌های اخیر، شتاب چرخه رشد نرخ جمعیت و گسترش تهدیدهای ناشی از آن، سبب توجه بیشتری به نظریه مالتوس^۱ شده و در بین جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاسیون، هواداران زیادی پیدا کرده و از مخالفان آن به شدت کاسته شده است. برخلاف پذیرش نظریه یاد شده در انجمن‌های علمی و دانشگاهی دنیا، هنوز در حوزه‌های دینی این گمان و دودلی وجود دارد که آیا از چشم‌انداز ادیان الهی چنین نظریه‌ای پذیرفته است یا نه؟ با توجه به شرایط و تحولات جدید و تلاش برای شکل‌گیری تمدن اسلامی و تقویت مبانی مفهومی و نظری آن و همچنین علوم اجتماعی اسلامی، لازم است دیدگاه متفکران اسلامی مورد بازخوانی و استفاده قرار گیرد. در این مقاله سعی شده است دیدگاه متفکران جهان اسلام در خصوص تحولات جمعیت و در نهایت دیدگاه اسلام در این باره بررسی شود.

1. Malthus

اهداف و پرسش‌های تحقیق

امروزه اهمیت و ضرورت مسئله جمعیت بر کسی پوشیده نیست و به عنوان یکی از عوامل اصلی تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی در سطح ملی و بین‌المللی است. شناخت و آگاهی از تغییر و تحولات جمعیتی جوامع، لازمه‌ی هرگونه برنامه‌ریزی برای آن‌هاست؛ چرا که تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جوامع با حجم جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن پیوند خورده است (خطیبی و امیرخسروی، ۱۳۹۳: ۱۸)؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد که طرح مسئله جمعیت باید با موازین علمی اسلامی مطالعه شود و از روش‌های فنی و آرای صاحب‌نظران اسلامی برای تحلیل ابعاد آن استفاده شود. همچنین امروزه جمعیت‌شناسی به صورت یکی از رشته‌های کاربردی در تمام کشورهای دنیا مورد توجه قرار گرفته است و اهمیت آن به دلایلی چون پیشرفت علم آمار و انجام سرشماری‌ها و نقش فزاینده آن در زندگی اقتصادی و اجتماعی انسان افزایش یافته است (حسینی، ۱۳۸۱: ۶).

جمعیت و تحولات آن از منظر متفکران مسلمان

به طور کلی سه هدف در این مقاله دنبال می‌شود:

۱- دیدگاه متفکران مسلمان در مورد مسائل جمعیت؛

۲- مقایسه دیدگاه متفکران اسلامی درباره تغییر و تحولات جمعیت؛

۳- بررسی مسئله تغییر و تحولات جمعیت بر اساس دیدگاه قرآن.

سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

۱- دیدگاه متفکران مسلمان در مورد مسائل جمعیت چگونه است؟

۲- دیدگاه متفکران اسلامی درباره تغییر و تحولات جمعیت بر اساس قواعد موضوع شناسی

اسلامی چیست؟

۳- دیدگاه قرآن درباره تغییر و تحولات جمعیت چیست؟

پیشینه پژوهش

77 جمشیدیها و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی آرا و اندیشه‌های جمعیتی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، به مباحث ازدواج و تولیدمثل، رشد جمعیت، کنترل مولید و جلوگیری از بارداری و سقط‌جنین و در بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری به علل افزایش

جمعیت ایران و جلوگیری از پیری جمعیت در آینده پرداخته است. بررسی دیدگاه‌های جمعیتی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد در مبحث ازدواج، نگاه ایشان به امر مقدس ازدواج، مثبت و برگرفته از مبانی قرآنی، احادیث و روایات معصومین (ع) است که در آن، شریعت اسلامی، مؤمنان را به ازدواج و تکثیر جمعیت فراخوانده است (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۴).

فروتن در پژوهشی تحت عنوان بررسی جمعیت شناختی مسلمانان در جهان معاصر بر این باور است که لازمه شناخت واقعی، دقیق و جامع درباره مسلمانان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جمعیت شناختی، این است که آنان نه به عنوان یک گروه یکسان و ذیل یک مقوله کلی؛ بلکه به تفکیک خاستگاه‌های اصلی آن‌ها که منعکس کننده محیط‌های فرهنگی اجتماعی گوناگونند، مورد مطالعه قرار گیرند. مهم‌تر آنکه، در نظر گرفتن این راه‌برد روش‌شناختی در خصوص جمعیت مسلمانان که کماکان سریع‌ترین و بالاترین روند رشد جمعیت جهان را خواهند داشت، از اهمیت و ضرورت به مراتب بیشتری برخوردار است (فروتن، ۱۳۹۴).

جمالی و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان پیشینه تاریخی برنامه جهانی کنترل جمعیت با رجوع به پیشینه تاریخی کنترل جمعیت جمعی از ادیان بشری، تمدن‌ها و قوانینی مانند قوانین حمورابی، متفکران قرون وسطی جهت ترقی فرد و جامعه قائل به افزایش جمعیت و جمعی دیگر، مانند حکمای چین باستان (کنفوسیوس^۱) و یونان باستان (افلاطون^۲ و ارسطو^۳) قائل به توازن جمعیت (اندازه بهینه جمعیت) بوده‌اند؛ ولی در این میان مالتوس و طرفداران او بر اساس بینش خاص تجاری، به جمعیت از بعد سیاسی و تجربی نگریسته‌اند، به طوری که توجه مالتوس ارتباط تنگاتنگی با بعد اقتصادی پیدا کرد (جمالی و همکاران، ۱۳۹۳).

خانی و نصراللهی در مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه، بر این باور است که مسئله رشد جمعیت یکی از مهمترین مسائل پیش روی کشورهای در حال توسعه است و از سوی دیگر تأثیر رشد جمعیت بر ابداعات و اختراعات از جمله مباحث بحث‌برانگیز است. آن‌ها همچنین نشان دادند که رشد جمعیت در

1 . Confucius
2 . Plato
3 . Aristotle

کشورهای در حال توسعه، نوآوری را افزایش می‌دهد (خانی و نصراللهی، ۱۳۹۲).
انتظاری و اسدپور در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی و تحلیل مفهوم فرزندآوری از دیدگاه امام محمد غزالی^۱، نشان می‌دهد که وی به پدیده فرزندآوری اهمیت فراوان داده و به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بحث درباره آن پرداخته است. از جمله ضرورت تشکیل خانواده و نکاح از ویژگی‌های آن است. وی همچنین در بحث طلاق به قطع فرزندآوری مشروع اشاره دارد (انتظاری و اسدپور، ۱۳۹۱).

اسدپور در مطالعه‌ای تحت عنوان مطالعه‌ای درباره اندیشه‌های جمعیتی ابن خلدون، نشان داد جمعیت‌های انسانی در هر یک از نقاط زمین با اوضاع و احوال متفاوت توزیع شده‌اند و بین جمعیت‌ها و محیط طبیعی که این جمعیت‌های انسانی در آن رشد می‌کنند، ارتباط نزدیکی وجود دارد. همچنین او کاهش جمعیت را عامل تباهی عمران معرفی می‌کند (اسدپور، ۱۳۹۰).

شیروودی در مطالعه‌ای با عنوان مسائل جهان اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری نشان دادند که از دید رهبری انقلاب یکی از مزیت‌ها، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های دول و ملل اسلامی، تراکم جمعیتی (جمعیت زیاد) است که برخی از آن‌ها در حساس‌ترین نقطه جهان سکنی دارند و اگر بخواهند می‌توانند عامل مهمی در تأثیرگذاری بر دیگران باشند (شیروودی، ۱۳۸۵).

مطالعات انجام شده به منزله راهنمایی برای این مطالعه بوده و از مبانی نظری و یافته‌های آن‌ها استفاده شد؛ اما با این حال بیشتر مطالعات انجام شده ابعادی از تحولات جمعیتی را در نظر گرفته و از طرفی بیشتر بر دیدگاه یک نفر از اندیشمندان تمرکز کرده‌اند. این مطالعه ضمن بررسی تحولات جمعیتی که متفاوت از مطالعات پیشین است، دیدگاه‌های متعددی را در این زمینه مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و موضوع مطرح شده را براساس معیار اصلی که قرآن است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است که به صورت پراکنده در سایر مطالعات به آن پرداخته شده است.

مروری بر دیدگاه‌های نظری

بحث جمعیت نه تنها از نظر دانشمندان اسلامی دور نبوده؛ بلکه محققین بزرگ با دقت

¹ . Abu Hamid Al-Ghazali

خاص خود مسایلی درباره جمعیت و جامعه به تحریر کشیده‌اند (امیرخسروی ۱۳۸۰: ۱). به حکایت تاریخ، موضوع جمعیت و مسئله مطلوبیت یا عدم مطلوبیت افزایش نفوس از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران مختلف من جمله فلاسفه، علمای اخلاق، شعرا، سیاستمداران، جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است و اکنون به صورت یکی از پایه‌های مهم برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی درآمده است. در واقع می‌توان گفت: جمعیت یکی از محورهای اصلی بحث در کلیه علوم انسانی و اجتماعی است. در حالی که امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا سیاست افزایش تدریجی جمعیت را از سر گرفته‌اند و این دیالکتیک افزایش و کاهش هم چنان بین صاحبان اندیشه وجود دارد و هر کدام متناسب با تحلیل خود از اوضاع اقتصادی اجتماعی و تغییرات اجتماعی، در مورد مباحث جمعیت‌شناسی به بحث و جدل می‌پردازند. با این وصف، برای گذر از مرحله تئوری پردازی‌های ذهنی تا کشف حکم روشن اسلام، به چارچوب و به اندازه در آوردن زاد و ولد و جلوگیری از فزونی و ساماندهی خانواده، داده پردازی‌های علمی و توجه به دیدگاه‌های کارشناسان جامعه‌شناسی و سیاسی و توجه به نیاز و بایسته‌های زمانی و شرایط حاکم بر پدیده‌ها، ضرورت انکارناپذیری است (اطلاعات، ۱۳۶۷: ۸).

در اسلام و بین مسلمانان نیز مسئله جمعیت از اهمیتی خاص برخوردار بوده و این امر بخش عملی و تمام بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (دیوانی و لشکری) را در بر گرفته است (امیرخسروی، ۱۳۷۶: ۱۷). بی‌گمان هر دانشی را دانشورانی و هر فنی را فن‌آوران است که می‌توانند با فرضیه آفرینی‌های بسیار و با مجموعه دانستنی‌ها و ساز و کارهای علمی و راهبردی، در فرآیند مسئله‌ی تحقیق به عمل آورده و نظریه اعلام کنند. روشن است هرگاه نظریه از پشتوانه دقیق علمی بی‌بهره باشد و نتیجه سیر منطقی در روش تحقیق نباشد، از وجاهت علمی بی‌بهره است و اعتباری نخواهد داشت. امروز به گفته امام خمینی (ره)، اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست؛ بلکه یک نفر اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد؛ ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد مجتهد نیست (ترابی، ۱۳۵۵: ۹). لازمه شناخت مصالح جامعه، بهره گرفتن از دیدگاه‌های دانشمندان و کارشناسان در حوزه‌های مورد نظر است.

طرفداران افزایش جمعیت

اظهارنظرهای جمعیتی، تا چند قرن پیش، مبتنی بر برداشت‌هایی از اوضاع و احوال جامعه

توسط متفکران و صاحب‌نظران اجتماعی بود (میرزایی، ۱۳۸۱: ۱۳). حامیان افزایش جمعیت معتقدند که افزایش سریع جمعیت نه‌تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری‌های اجتماعی به وجود نمی‌آورد؛ بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی قدرت نظامی و اقتصادی کشورها نقش مهمی را ایفاء می‌کند (کلانتری، ۱۳۷۵: ۹۷). از جمله‌ی این گروه‌ها می‌توان به قدرت‌طلبان اشاره کرد؛ این دسته برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه خود به سربازان و نیروهای نظامی نیاز داشتند. ماکیاولی افزایش جمعیت را موجب قدرت و نفوذ سیاسی شه‌ریار می‌داند (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۸). هرچند که در برخی مواقع نیز تشویق و طرفداری از توالد و تناسل بیشتر برای مقابله با تهاجم‌های احتمالی دشمنان دور یا نزدیک بود، آن‌ها با اعطای مزایای مالی یا با اعمال انواع مجازات، کودکان و پسرانی را به جامعه اضافه می‌کنند که از ترس یا به‌خاطر گرفتن مدد معاش پا به عرصه حیات می‌گذارند. ترس از جنگ و دغدغه دفاع در مقابل تهاجم، تولد کودکانی را که سربازان آینده خواهند بود تشویق می‌کند (بوتول، ۱۳۷۰: ۵۱). برخی از اقتصاددانان افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی تکامل تکنیک‌های تولیدی و در نتیجه رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند. کورادو جینی^۱ یکی از این افراد است که معتقد است وقتی جمعیت بیش از حد متعارف افزایش یابد جامعه‌ها از راه مهاجرت‌ها و جنگ‌های توسعه‌طلبانه قوی‌ترین و پرجرات‌ترین افراد خود را از دست می‌دهند. در نتیجه میزان توالد و تراکم جمعیت کاهش می‌یابد. این کاهش به ویژه در طبقات بالا بیشتر دیده می‌شود؛ زیرا آن‌ها هستند که بیشترین تلفات را داده‌اند و نیز بیشترین میزان مهاجرت‌ها نیز مربوط به آن‌هاست؛ بنا بر این، طبقات پایین، که میزان توالد آن‌ها نیز کاهش یافته، می‌کوشند تا خلأیی را که با سرعت در طبقات بالا ایجاد شده پر کنند. این جریان از طبقات پایین به طبقات بالا شدیدتر می‌شود و در نتیجه موانع این جریان از بین می‌روند و جامعه "دموکراتیک‌تر" می‌شود (تمنا، ۱۳۸۴: ۲۱۱). در همان حال از یک طرف به علت کاهش جمعیت و از سوی دیگر به علت استعمار سایر کشورهای وابسته، وضعیت اقتصادی جامعه تقویت می‌شود و سطح زندگی همگان ترقی می‌کند (کوزمیخال، ۱۳۵۶: ۱۸۵). فرانسوا پرو، از چهار عامل قوه محرک جمعیت، دینامیسم استفاده از اختراعات و روش‌های تازه، دینامیسم تسلط اقتصادی

¹ . Corrado Gini

و دینامیسم گروه‌های اجتماعی نام می‌برد؛ اما به نظر او همواره فشار جمعیت محرک اصلی کار و تولید به‌شمار می‌رود. به نظر او افزایش جمعیت، جوامع را مجبور به توسعه و ترقی اقتصادی می‌کند (بهنام، ۱۳۴۶: ۱۰). اسپینوزا، معتقد بود که هر چه جمعیت مملکتی بیشتر باشد، قدرتش بیشتر خواهد بود. همچنین از جامعه شناسانی که طرفدار افزایش جمعیت بودند، دورکیم فرانسوی است؛ وی بر این باور است که رشد جمعیت به تخصصی شدن جامعه می‌انجامد؛ زیرا زمانی که شمار افراد بیشتر می‌شود، تلاش برای بقا به شدت زیاد می‌شود (ویکس، ۱۳۸۵: ۱۱۱). به نظر دورکیم حجم جمعیت یکی از دلایل تمایزپذیری اجتماعی در جامعه است که امکان بقا برای تعداد زیادی از افراد جامعه در آن‌ها به وجود می‌آید. اسپنسر نیز بر این باور است که بین دو نیروی نگهدارنده ذات و نیروی تولید مثل تضاد وجود دارد؛ موجودات زنده‌ای که برای نگهداری ذات نیروی بیشتری مصرف می‌کنند، توانایی تولید نسل در آن‌ها کمتر است. اگر نیروی نگهدارنده ذات ناتوان باشد، به‌طور طبیعی موجودات برای جلوگیری از نیستی و نابودی تولید نسل بیشتر خواهند داشت؛ بنا بر این، اسپنسر برای افزایش جمعیت خصوصیت خودتنظیمی مطرح می‌کند (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۹). در جمع‌بندی می‌توان گفت طرفداران افزایش جمعیت بر این باورند که تعداد زیاد نفوس منشأ قدرت و محرک اصلی پیشرفت برای جامعه به حساب می‌آید.

مخالفان افزایش جمعیت

در مقابل طرفداران افزایش جمعیت، دانشمندان دیگری افکار خود را متوجه مشخص کردن روابط میان جمعیت و مواد غذایی کردند و مشهورترین فرد میان آنان مالتوس بود که مطالعاتش منتهی به ارائه اصول جمعیت شد که در حقیقت اولین مبانی یک سیاست جمعیتی بود (معزی، ۱۳۷۱: ۱۱۴). مالتوس اصل جمعیت را قانون کلی می‌داند که حاکم بر افزایش جمعیت است. این قانون عبارت است از شکافی که بین گرایش طبیعی نوع بشر، یعنی قانون جمعیت و گرایش طبیعی تولیدات کشاورزی، یعنی قانون معیشت وجود دارد. بر اساس قانون جمعیت، جمعیت در طول هر ۲۵ سال و با تصاعد هندسی؛ همانند: ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶... به میزان ثابتی رشد می‌کند، در صورتی که بنابر قانون معیشت، تولیدات کشاورزی و مواد غذایی براساس تصاعد حسابی مانند ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، و ... افزایش می‌یابد؛ بنا بر این، مالتوس چنین نتیجه می‌گیرد که نسبت جمعیت به مواد غذایی بعد از گذشت دو قرن به ۲۵۶ در برابر ۹ بالغ می‌شود. برای اجتناب از بدبختی و

فلاکت (تنگدستی، بیماری‌های همه‌گیر، قحطی و ...) که از اصل جمعیت ناشی شده و گریبان‌گیر فقرا می‌شود، مالتوس تحدید ارادی زاد و ولدها را با روش‌های اخلاقی از قبیل ازدواج دیررس و پرهیزگاری جنسی تا قبل از ازدواج به ویژه برای فقرا پیشنهاد می‌کند (کلانتری، ۱۳۷۵: ۹۹). به طور کلی طرفداران کاهش جمعیت، براین باورند که افزایش جمعیت موجب فقر، تیره‌روزی، فساد اخلاقی و بالاخره منشأ انهدام بشر قلمداد می‌شود.

طرفداران ثبات جمعیت

این عده با تغییر جمعیت چه در جهت منفی و چه در جهت مثبت مخالفت می‌ورزند. اینان در نظرات جمعیتی خود روش اعتدال را پیش گرفته و تغییر شمار جمعیت را سبب از هم پاشیدگی نظام اجتماعی می‌دانند. این سخن از استوارت میل^۱ اقتصاددان انگلیسی طرفدار جمعیت ثابت است که می‌گوید: «اگر قرار بر این باشد که زمین ما لطف و زیبایی خود را فقط به‌خاطر افزایش ثروت‌ها و غذا دادن به تازه‌واردینی که نه خوشبخت‌تر و نه بدبخت‌تر از پدران خود خواهند بود از دست بدهد، صادقانه آرزو می‌کنم که اخلاف ما تا آنجا که ممکن است در ثبات جمعیت کشور خود بکوشند. پیروان جمعیت ثابت، هر نوع افزایش جمعیت را غیرمنطقی دانسته و معتقدند که باید از منابع و امکانات موجود به نحو احسن برای بهتر ساختن زندگی افراد موجود جامعه بهره‌برداری کرد (کلانتری، ۱۳۷۵: ۹۹). وضعیت آرمانی استوارت میل وضعیتی است که در آن همه افراد از رفاه اقتصادی برخوردارند. در این صورت جمعیت تثبیت می‌شود و مردم به جای رقابت اقتصادی به دنبال پیشرفت فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی هستند (ویکس، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

طرفداران حدّ متناسب جمعیت

اندیشه حدّ مطلوب جمعیت مورد توجه اندیشمندانی مثل افلاطون^۲ که معتقد بود که بهترین رقم برای تعداد جمعیت می‌تواند نیازهای جامعه را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تأمین کند و همچنین موجب اجرای صحیح سیستم مالیات‌ها و تقسیم زمین بشود (بهنام، ۱۳۴۶: ۲۳). به نظر افلاطون جمعیت زیاد باعث گمنام شدن افراد و تحلیل بردن دموکراسی می‌شود. به نظر

^۱ . John Stuart Mill

^۲ . Plato

او جمعیت کم از تقسیم کار مناسب و دفاع شایسته از جامعه ممانعت می‌کند (ویکس، ۱۳۸۵: ۸۵). همچنین ارسطو^۱ معتقد است که اگر تعداد ساکنین یک شهر محدود نشود فقر و گرسنگی پدید خواهد آمد؛ زیرا ازدیاد زمین و کالاها، به سرعت افزایش جمعیت نیست. به نظر او زیبایی هر چیز بسته به تعداد و اندازه آن است. هر چیز که بیش از اندازه بزرگ یا کوچک باشد اثر و ماهیت خود را از دست می‌دهد و بیهوده می‌شود (تمنا، ۱۳۸۴: ۲۱۴). وی طرفدار محدود کردن فرزندان به وسیله قانون بود و گفت در صورتی که زنی پس از داشتن تعداد بچه‌هایی که قانون مجاز می‌داند، باردار شود، سقط جنین لازم است (ویکس، ۱۳۸۵: ۸۵). در قرون جدید نیز ژان ژاک روسو^۲ به مسئله حد متناسب جمعیت توجه داشته است. روسو تعیین تعداد متناسب جمعیت را موکول به وجود شرایطی می‌کند؛ به عبارت دیگر خود جمعیت و کاهش یا افزایش آن فی‌نفسه نمی‌تواند ملاک ارزیابی ما نسبت به مطلوب بودن وضع آنان باشد؛ زیرا آنچه که مهم است وجود و حصول شرایطی است که با تعداد معینی از جمعیت در ارتباط است. به طور کلی جمعیت متناسب، جمعیتی است که به بهترین وجه، رسیدن به هدف یا هدف‌های خاصی را ممکن می‌سازد. این هدف‌ها برای هر جامعه‌ای یکسان نیستند هرچند که آرمان همه مردم جهان خوشبختی است. این هدف‌ها عبارتند از: رفاه و بهزیستی انسان‌ها، از یاد و ثروت جامعه، اشتغال همه افرادی که در سن کار هستند، قدرت؛ طول عمر و سلامتی بیشتر و تعادل خانوادگی (تمنا، ۱۳۸۴: ۲۱۵). به طور کلی می‌توان گفت: حد مطلوب جمعیت برای کشوری مشخص، عبارت از شمار مردمی است که با در نظر گرفتن امکانات طبیعی، مادی، و فرهنگی آن کشور بتوانند در یک شرایط انسانی و قابل‌پسند زندگی کنند (کلانتری، ۱۳۷۵: ۱۰۱). اندیشمندان دیگری مانند شومپیتر^۳ جمعیت یک کشور را هنگامی می‌توان اضافی و بیش از حد متناسب به‌شمار آورد که با جمعیت کمتر تولید بیشتری امکان‌پذیر باشد، تغذیه جمعیت بدون توسل به وارد کردن مواد غذایی از خارج میسر نشود؛ جمعیت به قدری زیاد باشد که کاهش آن تأثیر نامطلوبی بر کل تولید جامعه نگذارد و در نهایت از منابع غیر قابل تدارک و جبران‌ناپذیر بی‌رویه و غیرمعقول بهره‌برداری

1 . Aristotle

2 . Jean-Jacques Rousseau

3 . Schumpeter

شود (کتابی، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

روش تحقیق

روش‌شناسی حاکم بر این مطالعه، پارادایم اسلامی و روش پژوهش از نظر گردآوری اطلاعات لازم، تاریخی است. در این روش تلاش بر این است که حقایق گذشته تغییر و تحولات جمعیتی را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها با تأکید بر منابع اسلامی، به صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاع را در ارتباط با اهداف و سؤالات تحقیق نتیجه بگیرد. از طریق گردآوری اطلاعات (اسناد و مدارک) مربوط به تغییر و تحولات جمعیتی و بررسی صحت و سقم آن اطلاعات بر اساس منابع اسلامی (مخصوصاً قرآن) و نیز تجزیه و تحلیل آن‌ها به کشف حقایق مربوط به آن دست پیدا کند. در این مطالعه از دو نوع اسناد استفاده می‌شود؛ اسناد دست اول؛ که معیار اصلی مطالعه هستند؛ مانند قرآن و اسناد دسته دوم که سعی شده است، اسنادی استفاده شود که کمترین تغییر در آن‌ها ایجاد شده باشد. از آنجایی که در هر جامعه و فرهنگ راه‌ها و روش‌هایی جهت نگرستن به موضوعات مورد بررسی وجود دارد و با توجه به ماهیت موضوع؛ لازم است با آنچه که مطابق با فرهنگ و ارزش‌های یک جامعه اسلامی است، مسئله بررسی شود. کلمه اسلامی به دو مفهوم اصطلاح می‌شود، یکی مربوط به مکتب اسلام و دیگری مربوط به صاحب اسلام یعنی خداوند، به عبارتی اگر «ی» این کلمه را «ی» نسبت در نظر بگیریم خود کلمه اسلام می‌تواند به دو مفهوم بیاید: یکی آیینی که توسط حضرت محمد (ص) آورده شده است، که آداب و شعائر خاص خود را دارد و دیگری آنچه در دانش صاحب شریعت و خداوند است (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱: ۲)؛ بر این اساس، آنچه محتوای این مقاله با آن بررسی شده است، روش‌شناسی اسلامی است. در روش‌شناسی اسلامی مبنا معرفت‌شناسی اسلامی بوده و به عنوان یکی از مهمترین منابع و متون اصلی اسلام مورد استفاده است و از این راه می‌تواند روش ورود به واقعیت، درک و تحلیل آن و در نهایت ارائه نسخه‌های مورد لزوم را طراحی و ارائه کند. با پیوند روش‌شناسی و اندیشه اسلامی، با متون صحیح اسلامی، آن را تا حد قدرت و تسلط کامل در تمام عرصه‌های فکر، معرفت و علوم اجتماعی انسانی و طبیعی بارور می‌سازد (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲: ۴۳). در این

روش‌شناسی گام اول در فعالیت‌های عقلی، تعیین منطق آن است؛ یعنی باید معلوم شود که از چه منطقی و بر اساس کدام روش منطقی موضوع را مطالعه کنیم. در بحث موضوع‌شناسی احتیاج به منطقی داریم که از عهده تبیین عینیت برآید و در عالم خارج و عمل صدق کند. گام دوم، مشخص کردن ملاک صحت آن روش است و در نهایت اینکه اختیار کردن و برگزیدن روشی مرسوم تر و کارآمدتر است. در این مطالعه از موضوع‌شناسی اسلامی به عنوان روشی کارآمدتر استفاده شده است. در این روش از منطقی استفاده می‌کند که هم به نظر و هم به عمل توجه دارد، از طرفی ملاک صحت آن، قرآن است.

یافته‌ها و تحلیل‌های پژوهش

براساس نتایج مطالعات و ادبیات نظری موجود و ارزیابی دیدگاه‌های متعدد در خصوص جمعیت و مسائل آن به خصوص دیدگاه متفکران مسلمان می‌توان گفت نتایج زیر قابل استخراج و ارائه است:

۱- دیدگاه متفکران مسلمان در مورد مسائل جمعیت چگونه است؟

الف) طرفداران افزایش جمعیت

بر اساس طرفداران نظریه افزایش زاد و ولد، کره زمین دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است و نباید از این بابت بیم به خود راه داد؛ بنا بر این، نه تنها نباید از ازدیاد جمعیت بیم داشت؛ بلکه بر عکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند داشته باشد؛ مانند پیشرفت جامعه و افزایش قدرت حکومت، از آن استقبال کرد؛ بنا بر این، افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی‌کند؛ بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. آیه شریفه: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» موقعیت مال و ثروت و نیروی انسانی را که دو رکن اصلی حیات دنیاست در این میان مشخص می‌کند. در حقیقت در این آیه دو قسمت از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیا که بقیه بخش‌ها به آن وابسته است، مورد توجه قرار گرفته است. این دو عبارت‌اند از: نیروی اقتصادی و نیروی انسانی چرا که برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی این دو نیرو لازم است و به

همین دلیل آن‌ها که بر تخت قدرت می‌نشینند سعی در جمع‌آوری این دو نیرو می‌کنند. در زمان‌های گذشته هر کس فرزندان بیشتری داشت خود را نیرومندتر احساس می‌کرد؛ چرا که آن‌ها یکی از دو رکن اصلی قدرت او را تشکیل می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۴۵) در آموزه‌های اسلامی آیات و روایاتی که دال بر مطلوبیت افزایش نسل است و مسلمانان را به فرزندآوری و تکثیر و تکثر اولاد تشویق می‌کنند، مؤید نظریه افزایش جمعیت است. سیاست افزایش جمعیت یک راهبرد مؤثر در راستای افزایش امنیت است و کاهش جمعیت پیامدهای منفی بسیاری را در ابعاد امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشورهای اسلامی به دنبال خواهد داشت. در دین اسلام - بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم- بر ازدیاد نسل و پرورش فرزند صالح برای تعالی و قدرتمندی جامعه اسلامی تاکید شده است و ازدواج موجب از بین رفتن فقر معرفی شده است.

جمعیت و تحولات آن از منظر متفکران مسلمان

ابن سینا: از جمله فلاسفه مشرق زمین که با ازدیاد جمعیت نظر موافق داشته ابن سینا^۱ فیلسوف نامدار ایرانی است. وی در کتاب شفا افزایش جمعیت را امری مطلوب و مفید قلمداد می‌کند و با نظر کسانی که طرفدار تحدید جمعیت بوده‌اند مخالفت می‌ورزد. با توجه به این اعتقاد ابن سینا یکی از خصایص و لوازم یک زن شایسته را زاینده بودن تلقی می‌کند و می‌گوید: «بهترین زنان آن‌هایی هستند که عاقل و دین‌دار و شرمگین و زیرک و دوست دار و زاینده و کوتاه زبان، مطیع، یکدل، گران‌سنگ و خادم شوی باشند» (کتابی، ۱۳۷۷: ۵۲).

مجمع مؤسسین رابطه العالم الاسلامی: این‌ها گروهی بودند که در ۱۸ آوریل ۱۹۷۵ در الاهرام قطعنامه‌ای تحت عنوان حرمت جلوگیری از بارداری صادر کردند و ضمن آن با صراحت هر چه تمام‌تر توسل به شیوه‌های جلوگیری از بارداری را منافی با عوامل قرآن تلقی کردند، این گروه معتقدند که نظر به اینکه شریعت اسلام ترغیب‌کننده به فزونی نسل مسلمانان است و جلوگیری از آبستنی مخالف شریعت اسلامی است و هدف جلوگیری از افزایش مسلمین نیرنگی برای کاهش دادن نیروی انسانی آن‌ها و تقویت سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره‌برداری از ثروت‌های آن‌هاست؛ بنا بر این، تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از

1 . Avicenna

آبستنی در حالت فردی برای پیشگیری از زیان‌ها و خطرات مانند زنی که به طور طبیعی قادر به زایمان نیست مانعی ندارد (ایازی، ۱۳۷۳: ۴۱).

علامه جعفری: ایشان می‌گویند: طبق محاسبه بعضی از متفکران که گفته‌اند افزایش خواربار در روی زمین با تضاعد حسابی است و افزایش جمعیت با تضاعد هندسی و نتیجه آن انفجار زمین از گرسنگی است. مسئله وارد باب تزامم می‌شود که قانون اقتضا می‌کند اهم را بر مهم مقدم بداریم. می‌گوییم: آیاتی در قرآن خبر از نامحدودیت روزی می‌دهد... در این مورد بسیار مناسب است جمله‌ای را از سخنان یکی از صاحب‌نظران علوم انسانی بیاوریم، او می‌گوید: اگر یک صدم گریه‌ای که در طول تاریخ درباره شکم‌های گرسنه و بدن‌های برهنه ریخته شده است به ارواحی که گرسنه معرفت و تقوای انسانی هستند، ریخته می‌شد، نه شکمی گرسنه می‌ماند و نه بدنی برهنه و نه ارواح گرسنه (جعفری، ۱۳۷۷: ۲۴۷).

نوری همدانی: به باور ایشان عده‌ای از لحاظ این که جمعیت روی زمین به سرعت رو به افزایش می‌رود، چنین فکر می‌کنند که زمانی فرا خواهد رسید که مردم از جهات اقتصاد زندگی به مضیقه خواهند افتاد و زمین قدرت تغذیه و تأمین لوازم زندگی بشر را نخواهد داشت؛ بنا بر این، مردم را به جلوگیری از افزایش نسل، تشویق، بلکه وادار می‌کنند. به علاوه، متأسفانه سقط‌جنین را یک عمل منطقی و موجه جلوه می‌دهند؛ ولی این عقیده همان طور که بعضی از دانشمندان هم تصریح کرده‌اند درست نیست؛ زیرا سطح زمین به اندازه‌ای وسیع است که به ۵۰۰ میلیون کیلومتر بالغ می‌شود و اگر آن را به طور تساوی میان جمعیت فعلی روی زمین تقسیم کنیم، به هر فردی ۵ هکتار از خشکی و تقریباً ۱۲ هکتار از دریاها می‌رسد. علاوه گنج‌های فراوان و معادن بسیار زیادی در آن قرار داده شده است. در این صورت اگر تمام قدرت‌های علمی و امکانات صنعتی خود را در راه بهره‌برداری از این منابع به کار بیندازند، زمین می‌تواند چندین برابر جمعیت کنونی به طور کامل اداره کند (مرادی، ۱۳۸۶: ۲۸). او در سلسله مقاله‌های: (در راه ریشه کن ساختن فقر) به موضوع جمعیت و مواد غذایی پرداخته و می‌نویسد: روزانه صدها هزار نفر در جهان از گرسنگی جان می‌دهند و این در حالی است که ۷۰۰ میلیون نفر دچار سوءتغذیه بوده و ۱/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان به خدمات پزشکی دسترسی ندارند، طبق این گزارش

۱/۲ میلیارد نفر در مکان‌های فاقد آب لوله‌کشی زندگی می‌کنند و ۲۵۰ میلیون کودک در کشورهای جهان سوم فاقد مدرسه هستند. طبق گزارش یونیسف از ۱۲۵ میلیون نوزاد متولد در سال، ۱۷ میلیون به پنج سالگی نمی‌رسند. فقر هرگز مولود عوامل خلقت و طبیعت نبوده و نیست؛ زیرا همه دلایل عقلی و علمی اثبات می‌کند که خداوند فیاض، جهان خلقت را طوری از لحاظ امکانات و مواهب و نعمت‌های غنی و سرشار و مستعد آفریده است که می‌تواند احتیاجات افراد بشر را هر چند، به چند برابر جمعیت فعلی برساند، تأمین کند؛ اگر افراد بشر بتوانند تمام زمین‌های مستعد را زیر کشت ببرند و این زراعت را نیز با اصول علمی و ابزار صنعتی و تکنیک‌های کامل هماهنگ سازند، احتیاجات آن‌ها به طور کامل تأمین خواهد شد. به طور کلی اگر نقشه جهان فقر و گرسنگی را مطالعه کنیم و عوامل فقر و گرسنگی را در آن نواحی مورد بررسی قرار دهیم، به وضوح خواهیم دید که گرسنگی دسته‌جمعی، یک پدیده طبیعی نیست؛ بلکه پدیده‌ای است اجتماعی که به طور کلی پیدایش آن یا نتیجه سیاست‌های استکباری و استعماری است و یا معلول استفاده نادرست از امکانات و منابع طبیعی است و یا مولد توزیع غلط موادی است که به دست می‌آید (مرادی، ۱۳۸۶: ۵۳).

جعفر سبحانی: صاحب‌نظران می‌گویند: اگر در این مملکت ایران رودخانه‌ها سدبندی

شود، زمین‌های بایر، آباد شوند، از تمام زمین‌های زراعتی به خوبی استفاده شود، صید ماهی به صورت صحیح اداره شود و سطح فکر مردم بالا برود، این مملکت قادر به اداره ۱۵۰ میلیون نفر خواهد بود. کشور ایران هم اکنون دچار کمبود نیروی انسانی است. در همین سال‌های اخیر، متجاوز از یک میلیون کارگر خارجی در نقاط مختلف کشور مشغول کار بودند و بازار کار، گرم و نیروی انسانی کمیاب بود - مع‌الوصف - چگونه دم از کنترل ازدیاد جمعیت می‌زنیم؛ در حالی که به نیروی انسانی نیاز داریم. در این کشور، کمبود پزشک و مهندس، تکنسین و استادکار برای همه ملموس است و هر روز دست نیاز به خارج دراز کرده و دسته‌دسته دکتر و مهندس و... وارد می‌کنیم. کشورهای پیشرو که برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت در کشورهای در حال رشد، کارشناس می‌فرستند، بهتر است جمعیت خود را در حد فعلی نگاه دارند تا جمعیت دیگر کشورها به نیمی از جمعیت آنان برسد، سپس برای آنان طرح و برنامه بریزند. بهتر نیست که بودجه‌ای که در راه کنترل جمعیت مصرف می‌شود، در راه فراهم ساختن وسایل زندگی خانواده‌های فقیر

مصرف شود و به جای انسان کشتی، به احیاء انسان‌های فقیر و بی‌دفاع بپردازیم (سبحانی، ۱۳۶۰: ۸۲). در راستای این نظر می‌توان گفت اندیشه ابن سینا نتوانسته از عهده تبیین خود در راستای افزایش جمعیت برآید و ملاک قرآنی را در نظر نگرفته است.

در جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح شده، گزاره‌های زیر دارای اهمیت است: ۱- نسبت به حد توان حیاتی خاک، کم و بیش دیدگاه‌ها از هماهنگی برخوردارند؛ ۲- اندازه مناسب جمعیت برای کشور ایران ۵۰ تا ۶۰ میلیون برآورد شده است؛ ۳- عامل فقر در پاره‌ای از کشورها را، بیشتر، در سرشکن نامناسب توانایی‌ها و ثروت جهانی دانسته‌اند تا زیادی مردم و ساکنان آن کشورها؛ ۴- به نظریه مالتوس، بیش تر به دیده تردید نگریسته شده است؛ ۵- بیش تر بینش آرمان‌گرایی حاکم بر مسئله بوده و نسبت به پاک کردن صورت مسئله توجه شده است تا پاسخ‌گویی به آن.

ب) طرفداران کاهش جمعیت

ابن مسکویه: ابن مسکویه^۱ در پیوند با جمعیت جهان و فزونی آن برداشت‌های جدید همراه با نگرانی‌های برخاسته از آن ابراز کرده است. او معتقد است وقتی در مقام دعا، به یک نفر می‌گویند «زندگی تو هر چه درازتر باد» در واقع این دعا را نباید دعای خیر دانست؛ زیرا اگر مرگ‌ومیر از صفحه گیتی ریشه کن شود، به زودی با کثرت فوق‌العاده جمعیت مواجه می‌شویم؛ چرا که تأمین وسایل معیشت آن‌ها به شایستگی ممکن نخواهد بود و فقر و گرسنگی افزایش خواهد یافت. به گفته خود وی اگر پیشینیان از پدران و اجداد ما نمرده بودند نوبت وجود هستی به ما نمی‌رسید و اگر بنا بود تمام مردم همیشه باقی بمانند و کسی نمیرد زمین وسعت آن‌ها را نداشت. در نظریه ابن مسکویه، علاوه بر موضوع رشد تصاعدی جمعیت، به مسائلی نظیر کمبود فضا برای سکونت، مشکلات زیست‌محیطی (دفع فضولات و زباله) و موضوع رفت‌وآمد هم توجه شده است. ناگفته نماند که ابن مسکویه، در مورد تکوین موجودات نیز، نظریه‌ای را عرضه کرده که تا حدودی شبیه نظریه تکامل داروین^۲ است (ابن مسکویه، ۱۳۶۰: ۳۵۱).

1 . Miskawayh

2 . Darwin

ابوالعلا معری^۱: ابوالعلا شاعر نامدار و فیلسوف شکاک از طرفداران جلوگیری از زاد و ولد بوده است. به گفته او ما نمی‌توانیم از دست مرگ بگریزیم ولی می‌توانیم فرزند نیاوریم و قلمرو مرگ را محدود کنیم. ترجمه یکی از اشعار وی این است که اگر فرزندان خود را عزیز می‌خواهید آن‌ها را به دنیا نیارید و خود وی به این نصیحت عمل کرد و تا آخر عمر تجردی اختیار کرد و گویند، وصیت کرده این بیت را بر سنگ قبرش حک کنند و آن این است که:

هذا جناه اباعلی و ما جنیت علی احد (کتابی، ۱۳۷۷: ۱۴۸)؛ یعنی این ثمره جنایت پدر من در حق من است ولی من این جنایت را در حق هیچ کس مرتکب نشدم. او در مورد زنان می‌گوید: زنان دام‌های گمراهی‌اند که شرف موروثی به وسیله آنان از بین می‌رود. حجله عروس هر چند دل‌پذیر باشد از کنام شیر خطرناک‌تر و مرگبارتر است. زنان چون آتشند که از دور خوش می‌کنند؛ اما چون آن‌ها را لمس کنی دست‌ها را می‌سوزانند. معری بر این باور است که همان‌گونه کثرت کلام موجب تباهی آن می‌شود کثرت جمعیت نیز به شیوع فساد می‌انجامد. هرگاه خواستار وصلت زنی شدی آگاه باش که بهترین زنان عالم زنان عقیمند.

کنفرانس اسلامی (رباط): در کنفرانس اسلامی، که در شهر رباط در سال ۱۳۵۰ با شرکت نمایندگان ۲۳ کشور اسلامی و با حضور شماری از صاحب‌نظران پزشکی، رهبران مذهبی و استادان دانشکده‌های الهیات تشکیل شد، پس از شش روز گفت و گو، سرانجام قطعنامه‌ای پذیرفته شد که عنوان گزاره‌های آن به شرح زیر است: کنفرانس، هرگونه پیشگیری از باروری متداول امروزه را مورد تأیید قرار می‌دهد. کنفرانس، سقط‌جنین را در مواردی که سلامت مادر مورد نظر باشد، روا می‌داند. عقیم کردن نیز در حالی که قابل‌برگشت باشد، از نظر کنفرانس، بدون مانع است (کتابی، ۱۳۷۷: ۳۷).

این‌ها می‌گویند تجربه تاریخ نشان داده است که هرگاه کمیت بر کیفیت غلبه پیدا کند، پیشرفت مادی و اجتماعی جوامع متوقف شده است؛ از جمله این افراد ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی^۲، ابوالعلا معری، نام برد. در میان پیروان این گروه چند تمایل فکری وجود دارد: ۱- گروهی به انسان برتر اعتقاد دارند و از انبوه خلق هراسانند و از آنچه انسان را پایبند کند

1 . Al-Ma'arri

2 . Nasir al-Din al-Tusi

بیم دارند و از زن و فرزند و خانواده گریزانند؛ ۲-دسته‌ای به تجربه تاریخ متوسل می‌شوند و جوامع کوچک و خوشبختی مثل آتن و جمهوری‌های مستقل ایتالیا-در قرون وسطی-را مثال می‌آورند که با وجود جمعیت کم دوران طلایی و درخشانی داشته‌اند (میرزایی، ۱۳۸۲: ۲۴)؛ ۳- دسته سوم جامعه‌شناسان و اقتصاددانان را در بر دارد که برآنند با کشف و ارائه قوانینی ثابت کنند جمعیت زیاد، موجب فقر و بدبختی و انهدام جامعه بشریت خواهد شد (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۶۹). استدلال‌های طرفداران کاهش جمعیت بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های مالتوس قرار گرفته است. طبق موضوع شناسی اسلامی این گروه جنبه مطابق بودن با احکام اسلامی را نادیده گرفته‌اند.

ج) طرفداران حد متناسب جمعیت

ابن خلدون: ابن خلدون در تحلیل‌های خودش از جمعیت و حرکت‌های آن و کاستی و فزونی‌های آن و ارتباط آن با اقتصاد و شهرنشینی و بادیه‌نشینی مطالبی ارزنده بیان کرده است. ابن خلدون در کتاب مقدمه بیان می‌کند که افزایش جمعیت تا حدودی موجب عمران است؛ ولی گذشتن از حد، موجب ویرانی می‌شود. او جمعیت را عامل افزایش کار و کوشش و فعالیت اقتصادی می‌داند و بر این باور است که با افزایش جمعیت یک شهر و گسترش فعالیت‌ها، ساختمان‌ها، بناها و کاخ‌های عظیم به وجود می‌آید و شهر به رونق و آبادانی می‌گراید. از طرفی او معتقد است که در نتیجه توسعه اجتماع و افزایش جمعیت هوا فاسد می‌شود؛ زیرا هوای شهرهای پرجمعیت با مواد گندیده و رطوبت فاسد در می‌آمیزد و هرگاه هوا فاسد شود این فساد به مزاج انسان راه می‌یابد و اگر این فساد قوی شود وارد ریه انسان می‌شود و بیماری‌هایی از نوع طاعون به وجود می‌آورد و علت بسیاری از عفونت‌ها در رطوبت فاسد در کلیه این‌گونه حالات توسعه اجتماع و افزایش جمعیت شهر در اواخر دوران فرمانروایی دولت‌ها است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۳۱۷). ابن خلدون زیادی جمعیت را عامل قدرت دولت می‌داند؛ زیرا با وجود جمعیت زیاد، نیروی کار و ارتش قوی می‌شود و صنایع رشد و اقتصاد کشاورزی رونق می‌یابد. او معتقد است که این مورد در گذشته ایران صدق می‌کند که چگونه به سبب خاک و فزونی جمعیت سراسر جهان را مسخر کرده بودند. از طرفی مردم وقتی در بادیه هستند جمعیت شان کم است؛ اما وقتی به شهر می‌آیند چون در ناز و نعمت زندگی می‌کنند، جمعیت شان روبه فزونی می‌کند و نسل آنان در محیط

پرناز و نعمت زندگی می‌کنند؛ اما ابن خلدون براین باور است که اگر از نسل اول و دوم بگذریم، دولت را فرسودگی و پیری فرا می‌گیرد. او براین عقیده است که اگر کثرت جمعیت در هر دو مرحله اول و دوم باشد باعث عامل قدرت می‌شود؛ اما اگر در مراحل بعدی حاصل شود این افزایش جمعیت موجب ضعف و انحطاط دولت خواهد بود؛ زیرا نیازهای آن جمعیت برطرف نخواهد شد (ابن خلدون، ۱۳۵۳: ۱۸۵).

ابوریحان بیرونی^۱: بیرونی، به متنوع شدن و انشعاب دائمی گونه‌های مختلف حیوانات

و گیاهان و مخصوصاً به خاصیت تکثیر سریع آن‌ها اشاره می‌کند: وقتی یک رسته از گیاهان یا جانوران در همان حدود رسته خود گسترش یابد و هیأت نهایی آن در نوع مخصوص مستقر شود، چون افراد آن رسته، تنها خاصیت زادن و مردن ندارند؛ بلکه علاوه بر آن، دارای خاصیت تولیدمثل نیز می‌باشند و می‌توانند موجوداتی مانند خود، نه یک بار بلکه چندین بار، به وجود آورند. در آن صورت، این رسته هم مانند نوع جداگانه‌ای از گیاه یا جاندار، مساحتی از زمین را اشغال می‌کند و خودش نیز مانند اصلش، به همان نسبت که بتواند مکانی برای خود به دست آورد، شروع به گسترش می‌کند (تقوی، ۱۳۷۹: ۵۸). بیرونی متوجه این واقعیت شد که فشار سنگینی تعداد فزاینده موجودات، دخالت مکانیسم انتخاب طبیعی را الزامی می‌کند: کشاورز غله‌اش را دست‌چین می‌کند و به آن میزان که لازم بدانند، بدان امکان رویش و رشد می‌دهد و مابقی را بیرون می‌افکند. جنگلبان، شاخه‌هایی را که خوب و مناسب تشخیص می‌دهد، باقی می‌گذارد، در حالی که دیگر شاخه‌ها را قطع می‌کند. زنبورها به آن دسته از هم‌نوعان خود که در کندویشان فعالیت به عهده نمی‌گیرند و مصرف‌کننده صرف می‌باشند، امکان بقا نمی‌دهند. طبیعت نیز به چنین شیوه‌ای عمل می‌کند... اجازه می‌دهد که [بعضی از] برگ‌ها و میوه [های] درختان از میان بروند... طبیعت آن‌ها را کنار می‌زند با این هدف که محلی برای دیگران فراهم آورد (تقوی، ۱۳۷۹: ۵۸). بیرونی خاطر نشان می‌کند که چون رشد کمی انسان‌ها را ظرفیت محلی که آن‌ها می‌توانند در آن زیست و به آن اتکاء کنند، محدود می‌کند، زمین می‌تواند با جمعیت اضافی مقابله کند و از تعداد آن‌ها بکاهد.

¹ . Al-Biruni

شهید مطهری: یکی از موضوعاتی که در اروپا سر و صدا راه انداخته و به همین جهت، گفته‌اند: دین به طور مطلق پایبند زندگی است و با مقتضیات و شرایط زمان تطبیق نمی‌کند، مسئله ازدیاد جمعیت است. ازدیاد جمعیت را از یک حد معینی برای بشریت خطر می‌شمارند؛ بنا بر این، پیشنهاد می‌کنند که جلوی موالید گرفته بشود. این یک مسئله جدیدی است. این مسئله فقط در عصر ما مطرح است و در گذشته مطرح نبود؛ چون اولاً در سابق به آن پی نبرده بودند؛ ثانیاً در سابق ازدیاد موالید خطری نداشت، مرگ‌ومیر طبیعی، خودبه‌خود، جمعیت را کم می‌کرد؛ ولی حالا این‌طور نیست جراید و مجلات، خیلی علیه ازدیاد جمعیت تبلیغ می‌کنند؛ ولی مسئله ازدیاد جمعیت که آن را بمب جمعیت می‌نامند و آن قدر هم گفته‌اند که یک حس تنفر از بچه در این مردم ایجاد کرده‌اند، در کشور ما صادق نیست؛ یعنی کشورهای اسلامی، هنوز به حد نصاب جمعیت نرسیده است. این یک نیرنگ استعماری است که غربیان به کار می‌برند. درباره ایران این‌طور می‌گویند که استعداد ۶۰ میلیون جمعیت را دارد که نان بدهد، در صورتی که اکنون حداکثر ۲۵ میلیون نفر است. اسلام هرگز جلوی راه بشر یک چیزی نگذاشته است که با مقتضیات ضروری که در زمان پیش می‌آید بجنگد؛ یعنی با ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی بشر بجنگد (مطهری، ۱۳۴۷: ۸۴).

شهید محمدباقر صدر: نوع و هدف یک برنامه، بر حسب ضرورت‌ها و شرایط موضوعی هر جامعه، تعیین می‌شود و از آن جا که ماهیت مشکلات و مسائل، از جایی تا جایی و از زمانی تا زمانی دیگر، فرق می‌کند، سیاست‌های اقتصادی هم با یکدیگر متفاوت است؛ بنا بر این، در ممالک پر جمعیت، اقدامات ویژه‌ای متناسب با شرایط اجتماعی لازم است که در ممالک کم جمعیت تجویز نمی‌شود. سیاست اقتصادی جزئی از مکتب اقتصادی نیست و تعیین آن هم وظیفه مکتب اقتصادی نیست. کار مکتب اقتصادی تعیین هدف‌های کلی سیاست اقتصادی است. تعیین جزئیات سیاست اقتصادی به طوری که با اوضاع و احوال روز مناسب باشد و نیز مسئولیت اجرای آن، با مقامات دولتی است. وقتی بخواهیم عقیده اسلام را درباره نظریه افزایش جمعیت بدانیم، ممکن است با در نظر گرفتن نحوه اندیشه‌ای که اسلام در سیاست عمومی خود، درباره تحدید توالد و تناسل دارد، بر آن آگاه شویم (اسپهدی، ۱۳۴۹: ۲۷۵).

شهید هاشمی نژاد: ما اعتراف می‌کنیم که خطر گرسنگی مردم بعضی از کشورهای آسیایی و آفریقایی را تهدید می‌کند؛ اما معتقدیم که این وضع اسفناک به علت افراط و تفریط نفرت‌انگیزی است که در جهان ما حکم فرماست؛ و اگر روزی، همه ملت‌ها، به طور جدی، در صدد برآیند تا جلو این همه اسراف‌کاری‌ها را بگیرند و در تقسیم مواد غذایی عدالت را رعایت کنند، بدون تردید در آن روز دیگر کمبود مواد غذایی احساس نخواهد شد تا به بهانه آن جهان مجبور شود از راه‌های خطرناک و مشکوک، با افزایش جمعیت و تکثیر نسل به مبارزه برخیزد (اسپهبدی، ۱۳۴۹: ۲۷۵).

امام خمینی (ره): حضرت امام با دیدی تخصصی‌تر از سایر متفکران مسلمان نقشه‌های استعماری را در قالب سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی می‌بیند و می‌فرماید: استعمار گران می‌خواهند همه چیز را به یغما ببرند نمی‌گذارند در دانشگاه‌های دینی و علمی ما آدم تربیت شود از آدم می‌ترسند اگر یک آدم در مملکتی پیدا شود مزاحم آن می‌شوند؛ به همین دلیل جلوگیری از تکثیر نسل را خلاف مصالح اجتماعی و سیاسی مسلمانان می‌دانستند. (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). با بررسی دیدگاه‌های جمعیتی امام خمینی (ره) روشن می‌شود در مبحث ازدواج، نگاه ایشان به امر مقدس ازدواج، مثبت و برگرفته از مبانی قرآنی، احادیث و روایات معصومین (ع) است که در آن، شریعت اسلامی، مؤمنان را به ازدواج و تکثیر جمعیت فراخوانده است. در بحث رشد جمعیت، حضرت امام افزایش جمعیت را نه تنها عامل مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی نمی‌دانند؛ بلکه جلوگیری از تکثیر نسل و بارداری را مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی دانسته، آن را شرعاً جایز نمی‌دانند.

مکارم شیرازی: یکی از اصول مهم مدیریت، ایجاد توازن میان امکانات و نیازها است و در صورت عدم موفقیت ایجاد توازن میان امکانات و نیازها، نظام مدیریت دچار اشکال می‌شود. در حال حاضر، کارشناسان جمعیتی، معتقدند که موازنه جمعیتی کشورها به هم خورده، برای ایجاد هماهنگی، دو کار می‌توانیم انجام دهیم، یا این که امکانات مان را افزایش دهیم و یا از نیازهای مان بکاهیم. در کوتاه مدت، نمی‌توانیم امکانات را افزایش دهیم، پس چاره‌ای نداریم جز این که نیازها را کاهش دهیم. آنچه در کشور ما مشکل جمعیت را پیچیده می‌کند، رشد تصاعدی

جمعیت است و دیگر این که کنترل جمعیت با مسائل اعتقادی و عاطفی مردم مرتبط است؛ بنا بر این، باید کار با دقت، ظرافت و مطالعه بیش تر و عمیق تر صورت گیرد. در روایات و قرآن، کمیت جمعیت به عنوان یک اصل مطرح نیست و جز در یک مورد استثنایی که مربوط به قوم بنی اسرائیل است، بر افزایش جمعیت تأکید نکرده است؛ بنا بر این، چیزی به نام فزونی جمعیت در قرآن نمی بینیم. اصولاً یکی از اصول شناخته شده در قرآن، توجه زیاد به کیفیت است و بر روی (فرزندان صالح) تأکید شده است. آنچه اسلام برای آن صلاحیت قائل شده فزونی شایستگی و کیفیت‌ها است (...).

طرفداران این نحله فکری درصدد حد بهینه جمعیت هستند؛ یعنی میزان جمعیت با امکانات مادی یک جامعه هماهنگی باشد، این‌ها تحت عنوان خوش‌بینانه تعبیر می‌شوند.

۲- دیدگاه متفکران اسلامی درباره تغییر و تحولات جمعیت براساس قواعد

موضوع شناسی اسلامی چیست؟

در بررسی دیدگاه روحانیون اسلامی، درباره جلوگیری از رشد روزافزون زاد و ولد، پس از انقلاب اسلامی، لازم به یادآوری است که بحران‌های آغازین روزها و ماه‌های انقلاب اسلامی و بروز جنگ نابرابر و ناخواسته علیه ایران و تبلیغات منفی علیه جلوگیری از زاد و ولد، در پیش از انقلاب اسلامی، از انگیزه‌ها و سبب‌های مهم و بازدارنده‌ای بود که به یک دهه سکوت صاحب‌نظران، استادان، دانشمندان اقتصادی و جامعه‌شناسی و در پی آن به بوته فراموشی سپاری سیاست‌گذاران جمعیتی انجامید. روشن است وقتی که کارشناسان و صاحب‌نظران بنا به دلایلی از طرح و روشن‌گری پیچیدگی‌ها و بحران‌های در شرف پدیداری خودداری ورزند، دیگر بیان و ارائه دیدگاه‌های اجتهادی سازوکار با گزاره جدید، انتظار و چشمداشت بی‌جایی بیش نخواهد بود؛ بنا بر این، جامعه ایران، در دهه اول پس از انقلاب به خاطر بی‌اهمیت جلوه دادن موضوع، چندان شاهد اظهارنظرهایی در این مورد نبوده و گاهی هم که با طرح دیدگاه‌هایی روبرو شده، در ردیف همان دیدگاه‌هایی است که پیش از آن، با آن آشنایی داشته است. شهید مطهری، بر این باور بود، که در دنیای امروز، دیگر فکر فرد و عمل فرد ارزش ندارد، از تک روی کاری ساخته نیست. علما و دانشمندان هر رشته دائماً مشغول تبادل نظر با یکدیگرند، محصول فکر و اندیشه

خود را در اختیار سایر اهل نظر قرار می‌دهند. متأسفانه در میان ما هنوز نه تقسیم کار و تخصص پیدا شده و نه همکاری و همفکری. اگر مدعی هستیم که فقه ما نیز، یکی از علوم واقعی دنیاست باید از اسلوب‌هایی که در سایر علوم پیروی می‌شود پیروی کنیم، اگر پیروی نکنیم معنایش این است که از ردیف علوم خارج است (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۰۰).

بعد از اینکه مسئله کنترل جمعیت و مباحث آن وارد کشورهای اسلامی شد. گروهی از علمای اسلام به موافقت پرداختند از جمله علمای مصر و به ویژه الازهر مانند شیخ احمد ابراهیم در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۳ که مسئله را از جنبه‌های فقهی و دینی بررسی کردند. گروهی نیز این حرکت را نغمه شوم استعمار دانسته و با آن مخالفت کردند. عده‌ای به این جهت مخالفت کردند که پیشگیری از باروری را منافی با اصول اولیه اسلام می‌دانند، عده‌ای به دلایل سیاسی و اجتماعی تاکید ورزیدند به نظر این عده افزایش مسلمانان موجب افزایش قدرت آن‌ها می‌شود و عده‌ای هم به دلیل پیامدهای دعوت به جلوگیری از بارداری مثل گسترش فحشا و فساد و افزایش سقط‌جنین و محدود کردن آزادی خانواده‌ها با آن مخالفت می‌کردند. مسئله دیگر اینکه حدود بحث و محل اختلاف موافقان و مخالفان به خوبی دیده نشده بود و به همین دلیل بسیار دیده می‌شد که کسانی با کاهش جمعیت مخالفت می‌کردند و از سویی هم گروهی کاهش جمعیت را به دلیل اینکه انفجار جمعیت و قحطی و گرسنگی و فشارهای اجتماعی و سیاسی جهان را تهدید می‌کند ضروری می‌دانستند (کتابی، ۱۳۷۷: ۳۲).

رهبران انقلاب اسلامی با توجه منابع و امکانات کشور ظرفیت کشور را برای ۱۵۰ میلیون نفر اعلام کرده‌اند که با توجه به قاعده مذکور و تناسب بعد کمی و کیفی جمعیت بر اساس ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نحوه بهره‌برداری از منابع به نحوی که عسر و حرجی بر مسلمین وارد نشود، باید میزان رشد جمعیت، نحوه توزیع و تراکم آن در زیرگروه‌های اجتماعی و مناطق جغرافیای بر اساس الگوهای مختلف زندگی اجتماعی (سبک زندگی) مشخص شود؛ تا دوره زمانی برای تحقق ظرفیت اعلام‌شده تعیین شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰). در این رابطه مراجع و علمایی همچون، شهید مطهری، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی، مصباح یزدی کنترل و کاهش جمعیت کشور را موجب تغییرات بافت جمعیتی و ضربه به مکتب اهل بیت دانسته و در چارچوب طرح مخالفت با جامعه اسلامی و برضد

امنیت آن می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۹). مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی جمعیت، بر نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی تأکید دارد و باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت را متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی مدنظر قرار دادند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰)؛ بر این اساس، می‌توان از دیدگاه مقام معظم رهبری حد متناسب و متعادل جمعیت، مناسب‌ترین بستر برای جمعیت است.

۳- دیدگاه قرآن درباره تغییر و تحولات جمعیت چیست؟

از آن جا که دیدگاه قرآنی به مسئله جمعیت می‌تواند مبنا و معیار نهایی برای تفکر در مورد تحولات جمعیت باشد؛ بنا بر این، لازم است این مسئله در دیدگاه قرآن مورد تبیین قرار گیرد. در قرآن کتاب آسمانی مسلمانان دو دسته آیات در زمینه ازدواج و زاد و ولد و باروری وجود دارد؛ دسته اول آیاتی هستند که به طور ضمنی جلوگیری از حاملگی را جایز دانسته‌اند؛ برای مثال می‌توان به آیه ۲۳۳ سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید: مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر بدهند و این برای کسی است که بخواهد شیر دادن را تمام کند خوراک و پوشاک زنان شیرده به وجه پسندیده به عهده مردی است که بچه برایش به دنیا آورده است. بر هیچ کس تکلیفی بیش از توانایی او دیده نمی‌شود نه هیچ مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه هیچ پدری به خاطر فرزندش (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۷). در آیه ۱۴ سوره لقمان نیز به این موضوع اشاره دارد آنجا که می‌فرماید: و فاصله فی عامین؛ یعنی زمان از شیر گرفتن کودک دو سال پس از تولد است؛ از آنجا که حاملگی موجب قطع شیر مادر می‌شود و می‌توان استنباط کرد که عمل به توصیه‌های قرآن می‌تواند در ایجاد فاصله‌گذاری مناسب بین موالید مؤثر افتد. دسته دوم آیاتی هستند که موافق تشکیل خانواده و افزایش موالید است؛ برای مثال آنجا که می‌فرماید: زنان و مردان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر بدهید اگر فقر باشند خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند. در حدیثی از پیامبر چنین آمده است که ازدواج و تولید نسل کنید و زیاد شوید که من در روز رستاخیز در بین امت‌ها به وجود شما مباهات می‌کنم هر چند که تولید نسل شما به ساقط شدن جنین منجر شود (ایازی، ۱۳۷۳: ۲۷).

روشن است که قرآن، کتاب جامعه‌شناسی نیست تا از آن، موضوع‌پردازی درباره جمعیت

و بیان چگونگی پدیده‌های اجتماعی را چشم داشت؛ بلکه کتابی است پنددهنده و یادآورنده که بیشتر هدف‌های تربیتی، معنوی و اخلاقی را برای اصلاح رفتار و پیوستگی‌های اجتماعی و پیوند مبدأ و معاد، مطرح فرموده و در لابه‌لای یادآوری‌های اجتماعی و معنوی، به فراخور گزاره و سازوکار با فهم انسانی، سخن را با پیش‌زمینه‌ها و پس‌زمینه‌هایی از قصص، مثال‌ها و نظام مندی آفرینش، آذین بسته تا مایه روشنگری باشد و عبرت بخشد و راه بنماید. با این وصف، چون مخاطب قرآن، انسان و جامعه است و آیاتش نیز در آن تبلور می‌یابد، چنانچه قرآن را بر نهاده علم جامعه‌شناسی و تاریخ بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم و اگر در داوری نظریه‌های جمعیتی، آیاتی را در بردارنده آن بیابیم، باز هیچ به خطا نرفته‌ایم؛ زیرا در تکلیف یابی گزاره‌ها و رویدادهای مهم زندگی بشر، قرآن پیام دارد و روشنگر است. قرآن برای هر عصری، کلامی، و سازوکار با فهم و اندیشه هر نسلی، پیامی دارد. امروزه، رشد جمعیت مهمترین حادثه و مسئله گریبان گیر جامعه ماست که حیات بشری و نظام اجتماعی را مورد تهدید جدی قرار داده است. علمای اسلامی در واکنش به این موضوع مهم، با استفاده از آیات و روایات دیدگاه‌های گوناگون ابراز داشته‌اند که ابتدا دیدگاه‌هایی که از قرآن سرچشمه می‌گیرد، به بوته نقد و بررسی می‌نهیم. مخالفان جلوگیری از زاد و ولد و بسیار شدن نسل، می‌گویند: هدف تکوینی ازدواج، دوام نوع و ماندگاری نسل است و از فلسفه‌های مهم اسلام در روا شمردن ازدواج با یک، یا چهار زن و روا شمردن ازدواج‌های موقت، همان زاد و ولد و افزون کردن نسل است؛ بنا بر این، کسانی که، به هر دلیلی، از فرزندداری جلوگیری می‌کنند با این قانون و سنت الهی در ستیزند: و انکحوا الایمی منکم و الصالحین من عبادکم و امانکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله واللّه واسع علیم (نور: ۳۲). بی جفتان‌تان را و بردگان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید؛ اگر تهی‌دست باشند، خداوند از فزونی خویش، بی‌نیازشان کند. خداوند، گشایش بخش و داناست.

مطهری در راستای وضعیت جمعیت براساس آیات قرآنی نکاتی را بیان می‌کند:

۱- فلسفه ازدواج، بسیاری فرزند نیست. قرآن، در آیات یاد شده، با تأکید بر اصل ازدواج، تنها به ساختار وجودی زنان که آمادگی آنان است برای زاد و ولد، اشاره کرده و در این که باید فرزند داشته باشند و شمار آن‌ها، از ظاهر آیات، چیزی به دست نمی‌آید؛ مگر در جمله پایانی آیه سوم سوره نساء که درباره شمار همسران است (ذلک ادنی الاتعولوا)؛ یعنی برابر تفسیر شماری

از مفسران، داشتن یک زن، برای پیشگیری از بسیاری فرزندان، مناسب تر است.

۲- جلوگیری از به دنیا آمدن فرزند، دست‌اندازی و داخل شدن در کار خدا و قانون طبیعت است. پاسخ چنین برداشتی از قرآن و معارف اسلام را شهید مطهری چنین بیان می‌کند: «می‌گویند: دخالت کردن افراد بشر در این کار، دخالت کردن در کار خداست. مرگ و میر و زاد و ولد کار خداست و کسی حق ندارد در کار خدا مداخله بکند، کسی حق ندارد مثلاً با قرص‌های ضد آبستنی جلوی تولید نسل را بگیرد. پایه این فکر از نظر اسلام غلط است. کار خداست یعنی چه؟! البته همه چیز کار خداست و ما هم بنده خدا هستیم. کار خدا این است که جهانی به این عظمت آفریده است و آن را با قوانین محکم و لایزال خود به گردش درآورده است. محال است که بشر بتواند در کار خدا مداخله کند؛ یعنی آفریننده و گرداننده جهان بشود. بشر و فکر و اراده و نبوغ و ابتکار بشر همه جزئی از جهان و نظام الهی است. هر کاری که بشر می‌کند، در حقیقت، قضا و قدر الهی را اجرا می‌کند. جهان و قوانین جهان، همه متساویاً مخلوق خداست، ما هم بنده خدا هستیم، ما و اراده ما و قدرت ما و نیروی ما و همه چیز ما را خدا خلق کرده است. دست ما هم دست خداست، در کار خدا مداخله کردن معنی ندارد؛ یعنی کاری که برخلاف قضا و قدر الهی و برخلاف علم ازلی الهی باشد در دنیا واقع نمی‌شود (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۰).

۳- بسیاری فرزندان، مایه قدرت و اقتدار است. بر خلاف صاحب‌نظرانی که پسندیده بودن زیادی فرزند را از آیات قرآنی استنباط کرده و بسیاری مردمان یک سرزمین را عامل پیروزی در صحنه‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی قلمداد کرده‌اند. ما در کاوش قرآنی خود، نه تنها به چنین نتیجه‌ای دست نیافتیم؛ بلکه، برعکس، آنچه به آن دست یافتیم نکوهش داشتن فرزند بسیار بود: کالذین من قبلکم کانوا اشد منکم قوةً واکثر اموالاً واولاداً ... اولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الآخرة (توبه، ۶۹)؛ مانند آن کسان که پیش از شما بوده‌اند که به نیرو از شما سخت تر و به خواسته و فرزند فزون تر ... کارشان در این زندگی و زندگی پسین، تباه شده است.

بر اساس تفاسیر علامه طباطبایی از آیات قرآنی به این نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم، نه تنها دعوتی به افزایش شمار فرزندان ندارد؛ بلکه به هیچ روی، ستایشی هم از آن نکرده است. آنچه از تفاخر و پشت‌گرمی به فرزندان، در آن دیده می‌شود، سخن جاهلانه گروه‌های غیرتوحیدی است که به عنوان نفی چنین دیدگاهی و فرهنگ‌سازی توحیدی، در آیات الهی بازتاب یافته

است؛ بنا بر این، می‌توان گفت: هر چند خداوند، زمین را مرکز اجتماع انسان‌ها قرار داده و برای آنان محل سکونت و روزی پیش‌بینی کرده است؛ اما به طوری که در پیش از این نیز شرح دادیم، یک سویه‌نگری به آیات قرآنی، سرانجام بدان جا ختم می‌شود که در روزگاری، آیات الهی، ناسازگار با واقعیت‌های زمانه جلوه کند. علامه طباطبایی، در مقدمه تفسیر المیزان، آن جا که سرچشمه اختلاف مفسران را یادآور می‌شود، می‌نویسد: تمام اختلافات در مصادیق و مواردی است که مضمون آیات بر آن‌ها تطبیق می‌شود: پس باید به این نکته توجه داشته باشیم که آنچه در صدق یک نقطه معتبر است، همان نتیجه و فایده مخصوص آن است، ولی آنس و عادت‌ها به یک یا چند مصداق خاص، ما را از این حقیقت دور می‌سازد و همین امور باعث شده که عده‌ای جمود خاصی بر الفاظ کنند (علامه طباطبایی، ۱۳۴۶: ۱۱-۹).

نتیجه‌گیری

اصلاح زندگی مادی و معنوی نسلی که به دنیا آمده‌اند و افزایش کیفیت زندگی ایشان، امری واجب و ضرورتی عقلانی است. به دنیا آوردن مازاد بر آنچه ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی اجازه می‌دهد؛ حتی متأثر از تعالیم اسلامی، حداکثر امری مستحب است که با توجه به مباحثی که مطرح شد، استحباب آن نیز محل تردید است. اگر چه اتخاذ هر یک از سیاست‌های فوق‌الذکر، قطعاً عوارضی را بر مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بر جای خواهد گذاشت. کوتاه سخن اینکه، قدرت در دانایی است. نتایجی که از نظریات متفکرین اسلامی اخذ می‌شود می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: ۱- هر چند نواخت‌ها و نعمت‌های الهی در جهان، بی‌پایان و غیر درخور شمارشند؛ اما آفریدگار هستی که این کره خاکی را زیست‌گاه انسانی قرار داده، نظام آن را بر اندازه‌هایی استوار ساخته است که خارج شدن از آن، هرگز ممکن نیست و بشر ناگزیر از نگه داشت اصول حاکم بر آن اندازه‌ها است؛ زیرا که میزان ساکنان آن نیز، تابع و پیروی از آن گنجایی‌هاست؛ ۲- بازشناسی موضوع بحران جمعیتی در صلاحیت کارشناسان و سیاست‌گذاران جمعیتی است که فقیهان می‌باید به دیدگاه آنان اهمیت بدهند؛ ۳- در نص‌ها و متن‌های روشن، دلیلی بر بازداشتن از ساماندهی خانواده، دیده نمی‌شود. ۴- پیشگیری از بارداری، بیرون ریختن منی، عقیم‌سازی و... که مبنای اصلی در سامان‌دهی خانواده به شمار می‌رود، از

نظر شرع، با رضا و خرسندی زن و شوهر، رواست؛ ۵- انداختن جنین پس از تکامل آن در رحم مادر و دمیده شدن روح در آن، حرام و به عنوان قتل نفس، دیه، کفاره و قصاص را در پی دارد؛ ۶- انداختن جنین، پیش از دمیده شدن روح در آن، هرچند قتل نفس به شمار نمی رود؛ اما در صورتی که با رضایت‌مندی، هماهنگی و خرسندی زن و شوهر همراه نباشد، سزاوار دیه‌ای است که باید آن که سبب شده جنین بیفتد، به پدر و مادر آن، بپردازد. اگر یکی از پدر و مادر، بدون رضای کردن دیگری، جنین را بیندازد واجب است دیه را به دیگری بپردازد.

آنچه از دیدگاه اسلام بر می‌آید می‌توان گفت: اسلام طرفدار حد متناسب جمعیت است و در قرآن کتاب آسمانی مسلمانان دو دسته آیات در زمینه ازدواج و زادوولد و باروری وجود دارد: دسته اول آیاتی هستند که به طور ضمنی جلوگیری از حاملگی را جایز دانسته‌اند؛ دسته دوم آیاتی هستند که موافق تشکیل خانواده و افزایش مولید است. قرآن کریم هنگام بیان رابطه زناشویی بین زن و مرد، زن را کشتزار می‌نامد؛ نه فقط محلی برای ارضای غریزه جنسی: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»؛ بر این اساس، وجود زن برای تولید نسل و حفظ و بقای نوع انسان است و کردار شوهر با زن، در مقام تولید نسل باید مانند رفتار کشاورز با کشتزارش، برای تولیدمثل باشد، پس آیه مورد بحث، در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل است و تکرار «حَرْث» به جهت اهمیت مسئله نسل و تأکید بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۰۰). برای تأکید بر حفظ نسل که هدف اصیل عمل زناشویی است، واژه «حَرْث» در آیه تکرار شده است. خداوند برای ترغیب به هدف‌دار کردن آمیزش جنسی می‌فرماید که از رهگذر مباشرت با زنانان فرزندان شایسته‌ای برای آخرت خود بفرستید، پس تولیدمثل و بقای نسل مهم است؛ ولی فرزند نیز باید سودمند و صالح باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۸۷)؛ از آن جا که هدف از خلقت انسان، عبادت باری تعالی است: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)، بقای نسل صالح منجر به ابقای ذکر خداوند و یاد پروردگار می‌شود «و نکتب ماقدّموا و آثارهم» (یس، ۱۲) و ثواب و خیر پدر و مادر هم به فرزندان صالح و هم به آباء آن‌ها می‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۱). دین اسلام اصل را در این موضوع بر افزایش جمعیت قرار داده است؛ ولی کنترل آن را به طور موقت به قصد ایجاد توازن همه‌جانبه جایز دانسته است که در شرایط مختلف زمانی و مکانی متفاوت است و این بینش تا حدی با دیدگاه مبتنی بر توازن جمعیت همسویی دارد.

با استقراء در متون قرآن و سنت می‌توان گفت: شریعت اسلامی در مقصود کلی خویش برای حفظ پنج چیز آمده است که آن‌ها عبارت‌اند از: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ عقل،

حفظ مال و آن‌ها را ضروریات پنج‌گانه می‌نامند. در این راستا و در راستای بازخوانی اندیشمندان و متفکران مسلمان حول وحوش مسئله جمعیت استنباط می‌شود که در اندیشه‌های اسلامی رابطه رشد جمعیت و کمبود منابع از دیدگاه بخیلانه محدود بودن منابع مطرح نبوده و نباید از روی بخل و تحت تأثیر اندیشه‌های سکولار مبنی بر یک طرفه نگاه کردن به موضوع نگاه کرد؛ بلکه باید از روی وسعت نظر و با توجه به دو ملاک واقعیت و احکام اسلامی به موضوع مورد نظر خود بپردازیم و به عبارتی موضوع شناسی اسلامی بکنیم.

فهرست منابع

ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۵۳)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ابن مسکویه، ابوعلی، (۱۳۶۰)، اخلاق، اقتباس و ترجمه از طهاره الاعراق، به قلم یکی از بانوان ایرانی (عالمه‌ی مجتهده مرحومه نصرت السادات امین)، تهران: چاپ دوم، نهضت زنان مسلمان.

امام خمینی، (۱۲۷۹)، صحیفه نور، رهنمودهای امام خمینی، جلد ۵.

امانی، مهدی، (۱۳۷۷)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

امیرخسروی، ارژنگ، (۱۳۷۱)، سابقه‌ی یک نظریه جنجالی در اسلام، فصلنامه‌ی جمعیت، تهران: سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۱.

امیرخسروی، ارژنگ، (۱۳۷۶)، بحث طول عمر و امید زندگی یا متوسط عمر در میان نویسندگان اسلامی، فصلنامه‌ی جمعیت، تهران: سازمان ثبت احوال کشور شماره ۱۹-۲۰.

انتظاری، علی و اسدپور، عهدیه، (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل مفهوم فرزندآوری از دیدگاه امام محمد غزالی، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۷-۳۹.

ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد، (۱۳۹۲)، روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۷۳)، اسلام و تنظیم خانواده، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.

آزادارمکی، تقی، (۱۳۷۹)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران.

بوتول، گاستون، (۱۳۷۰)، اضافه جمعیت، حسن پویان، تهران، چاپخس.

بهنام، جمشید، (۱۳۴۶)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

_____ (۱۳۷۳)، جمعیت‌شناسی عمومی، ج ۲، تهران انتشارات مؤسسه، مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶.

ترابی، علی اکبر، (۱۳۵۵)، جامعه‌شناسی دینامیسم اجتماعی، تبریز، انتشارات چهر.

تمنا، سعید، (۱۳۸۴)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، دانشگاه پیام نور.

جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۷)، رسایل فقهی، ج ۱، نشر کرامت.

جمالی، محمد، ذوالفقارطلب، مصطفی، هاشمی، سیداحمد، (۱۳۹۳)، پیشینه تاریخی برنامه

جهانی کنترل جمعیت، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، صص ۱۶۱-۱۹۱.

جمالی، مصطفی، ذوالفقارطلب، سیداحمد و هاشمی، محمد، (۱۳۹۳)، پیشینه تاریخی برنامه

جهانی کنترل جمعیت، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، صص ۱۶۱-۱۹۱.

جمشیدیها، غلامرضا، نریمانی، سعید و عبدی، پیمان، (۱۳۹۴)، بررسی آرا و اندیشه های جمعیتی

امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم،

شماره ۸۴، صص ۳۰-۴۱.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تفسیر تسنیم، ویرایش: سعید بند علی، قم: نشر اسراء، چاپ اول.

ج ۱۱.

حسینی، حاتم، (۱۳۸۱)، درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان،

دانشگاه بوعلی سینا.

خانی، ریحانه و نصراللهی، زهرا، (۱۳۹۲)، تاثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای

منتخب در حال توسعه، سیاست های راهبردی و کلان، دوره اول، شماره چهارم، صص ۸۷-۱۰۶.

خطیبی، آمنه و امیرخسروی، منیژه، (۱۳۹۳)، بررسی تحولات جمعیتی کشورهای اسلامی با

تاکید بر شاخص های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵، نشریه آمار، شماره ۱۰،

صص ۱۸-۲۴.

زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۸۱)، حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.

ساجدی، علیرضا، صفاکیش، محدثه، (۱۳۹۶)، سالنامه آمارهای جمعیتی، تهران، انتشارات

سیحون.

سبحانی، جعفر، (۱۳۶۰)، منشور دانش، اصفهان، کتابخانه مولاامیرالمؤمنین علی (ع).

سوره توبه، آیه ۶۹.

سوره نور، آیه ۳۲.

- صحیفه نور، رهنمودهای امام خمینی، ج ۲/ ۱۶۷.
- طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۲.
- کتابی، احمد، (۱۳۷۷)، *درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
- عباسی، محمدباقر، علیزاده، مرجان، ساجدی، علیرضا و امیدوار شلمانی، صدیقه، (۱۳۹۷)، *ولادت ایرانین*، سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶، تهران، انتشارات سیحون.
- علیزاده، مرجان، مؤمن طایفه، معصومه، امیدوار شلمانی، صدیقه، امیرخسروی، منیژه، توده فلاح، معصومه، خطیبی، آمنه، شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۵)، *مسائل جهان اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری*، فصلنامه حصون، شماره ۷، صص ۹۷-۱۲۰.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۹۴)، *بررسی جمعیت شناختی مسلمانان در جهان معاصر*، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۶۸-۹۱.
- کتابی، احمد، (۱۳۷۰)، *نظریات جمعیت شناسی*، چاپ سوم، تهران، اقبال.
- کلانتری، صمد، (۱۳۷۵)، *مبانی جمعیت شناسی*، تهران، مانی.
- کوزمیها، نورئین سازی، (۱۳۵۶)، *تاریخ جامعه شناسی*، احد زر فروشان، تبریز، چهر.
- مرادی، حمید، (۱۳۸۶)، *بررسی روند مرگ و میر در بیمارستان ولیعصر نورآباد ممسنی*، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جمعیت شناسی دانشگاه شیراز.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۴۷)، *خاتمیت*، انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۷)، *ده گفتار*، تهران انتشارات حکمت.
- معزی، اسدالله، (۱۳۷۱)، *مبانی جمعیت شناسی*، تهران، آوای نور.
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ج ۲، ۶ و ۱۲.
- میرزایی، محمد، (۱۳۸۱)، *گفتاری در باب جمعیت شناسی کاربردی*، تهران، انتشارات دانشگاه

تهران:

— (۱۳۸۲)، حد متناسب جمعیت و ارتباط آن با وضعیت ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، صص ۴۹-۵۸.

ویکس، جان، (۱۳۸۵)، جمعیت: مقدمه ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، تهران، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.